

ویژه اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد در شهرهای کردستان

کرنولوژی اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد!

کوروش مدرسی لیبر حزب از این فرا خوان حمایت کردند. این حرکت جسورانه سیاسی و خلاف جریان، این حرکت ضد سکتی در دفاع از منافع عمومی، در تقویت چپ جامعه از جنس حرکت ما در قبال جریان فاشیستی هخا بود. اکنون که نه تحلیل بلکه تحقیقا مهر صحت و درستی این حرکت عیان است، باید گفت که ارتباطات زیادی از داخل و خارج ایران به ما، به رهبری حزب حکمتیست، نشانی از استقبال مردم آزادیخواه از این حرکت است. مردم به ما لطف میکنند و مینویسند که فضا را خوب تشخیص دادیم، احساس مسولیت کردیم، چپ را در این مقطع قوی کردیم، رنگ چپ و رادیکالیسم به کل تحركات اخیر زدیم، فضا را بر رژیم اسلامی و جریانات قوم پرست تنگ کردیم، نه تنها الیت سیاسی جامعه بلکه مردمان عادی، کسانی که میخواهند افق چپ بر جنبشها شرف از شر حکومت اسلامی غالب باشند، کسانی که قلبشان با هر تفسیر و تعبیری برای آزادی و رهایی می تپد، درایت رهبری حزب ما را در این حرکت تقدیر میکنند. روز ۱۶ مرداد اکثر شهرهای کردستان علیه رژیم نظامی کردن و بیکار و ببندهای وسیع، در اعتصاب عمومی بسر بردند. این اعتصاب مبارزه متحدانه مردم کردستان علیه رژیم اسلامی را وارد فاز جدیدی کرد. این اعتصاب نقطه قدرت جنبش سراسری برای برچیدن حکومت اسلامی است. ما در این شماره ویژه (ضمیمه اکتبر ۵) تلاش میکنیم روایت ومنتخبی از اسناد این حرکت اجتماعی را به جامعه عرضه داریم، تا در مقابل هر روایت دیگری جوانان و مردم آزادیخواه، اسناد تاریخی قابل دسترس در دفاع از حقانیت خود را بتوانند قرار دهند. تلاش خواهیم کرد که اسناد را بر مبنای زمانی و مرحله بندی شده قرار دهم تا مرور آن بتواند تصویر درستی از این حرکت بدست دهد.

۱۱ اوت ۲۰۰۵

حضور گسترده مردم آزادیخواه و مطالبات رادیکال و حضور چپ جامعه کردستان، مجال غلبه افق ناسیونالیستی را بر این حرکت سلب کرد. حضور فعال حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بطور یقین در شکل دادن و تغییر ریل این تحرک اجتماعی قویا موثر بود. اعتراضات در شهر مهاباد متوقف نشد. دامنه توده ای آن به شهرهای اشنویه، بانه، بوکان، سقز و سرانجام سنندج کشیده شد. ورود سنندج به این کارزار، رنگ و چهره کل این جنب و جوش را دگرگون کرد.

تلاش قوم پرستان کرد، در سنندج در نطفه خفه شد. مردم هوشیار سنندج وقعی به فراخوانهای قوم پرستانه و تفرقه افکنانه جریانات قوم پرست کرد نگذاشتند. سازمان زحمتکششان و دارو دسته طالبانی بار دیگر متوجه شدند که ما و مردم آگاه، اجازه نمیدهیم بساط قوم پرستی را در جامعه کردستان پهن کنند. جریان پژاک که در صف مقدم این جبهه مایه دلخوشی خیل قوم پرستان بود، از نظر مردم مبارز سنندج شناخته شده تر از آن بودند که بتوانند کاری کنند. مردم سنندج به روال همیشه سنکر دفاع از انسانیت و آزادیخواهی شدند، طبیعی بود که مشتکی کانگستر قوم پرست بی ریشه نخواهند توانست در این میان رهبری جدید حزب کمونیست کارگری که روی اسب بازنده مرج سسته بود این ماجرا را خوش نیامد واز نادر جریاناتی بود که علیه ما و خواست مردم سنندج، درافشانی کردند.

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) فراخوان اعتصاب عمومی داد، فراخوان اعتصاب عمومی روز یکشنبه ۱۶ مرداد با خواست آزادی دستگیر شدگان، خروج نیروهای نظامی از شهرها و محل کار و زندگی مردم، محاکمه عاملین جنایات اخیر... کمیته کردستان حزب ما و



عبدالله شریفی

بی تردید اعتصاب عمومی شهرهای کردستان جایگاه ویژه در مبارزات مردم آزادیخواه ایران در تقابل با نظام اسلامی دارد. نو جبهه مردم و رژیم اسلامی سطحی دیگر از کشمکش و جدال را تجربه کردند. جدالی که سالیان است در جریان است. بدون تعارف باید گفت جنبش سرنگونی با تجربه این حرکت اجتماعی موقعیت خود را چند قدم جلو برد، رقیب را تضعیف کرد، برای دور دیگر مبارزه بالغ تر بیرون آمد. اما هنوز تا اینجا، نیمی از واقعیات را بیان کرده ایم، قسمت دیگر واقعیت، صف بندی احزاب و جریانات سیاسی در قبال این تحرک بود. افقهای متفاوت جنبشها، مواضع مختلف احزاب سیاسی، بار دیگر جنبش سرنگونی رژیم اسلامی را پلاریزه کرد. احزاب بار دیگر خود را در معرض انتخاب قرار دادند. مردم بار دیگر دوری و نزدیکی امیال و مطالباتشان را در وجود جریانات سیاسی تجربه کردند، مردم باردیگر دوستان و دشمنان خود را محک زدند.

جریان کردستان، با ترور و شکنجه و تحشیانه جوانی در شهر مهاباد شروع شد. مردم مهاباد به اعتراض به این جنایت به تجمعات وسیع دست زدند. شهر تعطیل شد، بیکر و بیبد و ترفند بازی مردم را عقب نراند. دستگیری و تیراندازی بسوی مردم از عزم و اراده مردم نکاست. مشتکی قوم پرست مانند جریان موسوم به پژاک، سعی تمام کردند که فضا بدست گیرند، اما قادر نشدند کاری از پیش برند.

یکشنبه ۱۶ مرداد شهرهای کردستان

اعتصاب عمومی است!

همه دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند! نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی باید از شهرها بیرون بروند!



کوروش مدرسی

نداید اجازه داد که جمهوری اسلامی همچنان این چرخ جنایت کاری را بگرداند. باید متحد شد، باید با صف واحد و پرچم واحد ایستاد. باید جمهوری اسلامی را عقب راند. باید جمهوری اسلامی را از کار خود پشیمان

گرد. بگذار مردم انقلابی در کردستان، مردم سنندج و سقز و مهاباد و مریوان و سایر شهرهای کردستان نه تنها جمهوری اسلامی را عقب برند بلکه با شعار زنده باد آزادی، زنده باد برابری پرچم انقلاب آتی ایران را به پرچم رهایی و برابری همه انسانها تبدیل کنند. سنندج و سقز، مهاباد، اشنویه، سردشت و مریوان و سایر شهرهای کردستان باید در انقلاب آتی ایران نقش تبریز در انقلاب مشروطه را بازی کنند. کردستان باید سنکر انقلاب ایران باشد. صدای انقلاب ایران را میتوان باردیگر از کردستان شنید.

مردم! حزب ما از اعلام روز یکشنبه ۱۶ مرداد بعنوان روز اعتصاب عمومی در کردستان حمایت میکند. از همه کمونیست ها، بویژه اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری حکمتیست، میخواهیم تا در صف اول تلاش برای متحد کردن مردم، بویژه طبقه کارگر، برای سازمان دادن و رهبری این

مردم انقلابی کردستان! جمهوری اسلامی این رژیم کثیف ضد بشری به گمان خود میخواهد بار دیگر اعتراض مردم در کردستان برای آزادی، برای برابری و برای سعادت انسانی را مقهور خود سازد.

جنایات اخیر جمهوری اسلامی در سنندج، سقز، مهاباد، اشنویه و سایر شهرهای کردستان در خدمت این هدف است. اما رژیم اسلامی این بار تماماً کورخوانده است. امروز رژیم اسلامی زیر فشار اعتراض مردم در سراسر ایران کمر خم کرده است. خودشان هم میدانند که جمهوری اسلامی به پایان راه خود رسیده است و باید برود. باید تکلیف این رژیم را یکسره کرد.

تا زمانی که سران رژیم را به زندان نینداخته ایم، تا زمانی که سپاه پاسداران و ارتش را خلع سلاح نکرده ایم، تا زمانی که همه حوزه های علمیه و موقوفات را به نفع مردم مصادره نکرده ایم، تا زمانی که وزارت اطلاعات و کلیه گله های حزب الله و انصار الله و سایر دستگاه های جمهوری اسلامی تماماً خلع سلاح و متواری نشده اند و بالاخره تا زمانی که دولت ما قیام کنندگان علیه جمهوری اسلامی آزادی و برابری انسانها را بعنوان قانون اعلام و اعمال نکرده است، جمهوری اسلامی میتواند جنایت بیافزیند. جمهوری اسلامی را باید

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان شرکت کنید!

نیروی خیزش و قیام مردم سرنگون کرد و تا آخرین خشت دستگاه سرکوب و کشتار و خفقان و جنایتش را ریشه کن کرد. سرنگونی جمهوری اسلامی باید به نابودی کامل همه این ماشین کشتار و جنایت بینجامد. این هدف را در همه اعتراضات مردمی ازجمله در حرکت اعتراضی شهرهای کردستان باید آگاهانه در نظر داشت. پیروزی مردم جز با نابودی کامل جمهوری اسلامی تامین نخواهد شد. انحلال و خلع سلاح همه نیروهای سرکوبگر رژیم از سپاه پاسداران و ارتش تا گله داروخته های نظامی و شبه نظامی، انحلال کامل وزارت اطلاعات، انحلال کلیه نهادهای سرکوب مذهبی نظیر "حوزه های علمیه"، دستگیری سران جمهوری اسلامی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، مسلح کردن مردم در ملیس های توده ای برای دفاع از آزادی و ... بندهایی از "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" است که حزب حکمتیست برای تحقق آن مبارزه میکند.

مردم آزادیخواه! با بکار گرفتن تمام نیرو و ابتکارات خود، در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان در روز یکشنبه ۱۶ مرداد شرکت کنید و با فریاد رسا از خواست محاکمه عاملان قتل و کشتار در شهرهای کردستان، آزادی فوری همه بازداشت شدگان و خروج فوری همه نیروهای نظامی و انتظامی رژیم از شهرها حمایت کنید.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی،
برابری، حکومت کارگری
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

دوازدهم مرداد ۱۳۸۴ - سوم اوت ۲۰۰۵

تور و تبعیض و نابرابری، ربطی به جریانات قومی - فاشیستی ندارد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۹ مرداد ۱۳۸۴ برابر با ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۵

سه هفته است که شهرهای کردستان صحنه اعتراضات وسیعی در مقابله با جنایات و سرکوبگریهای اخیر جمهوری اسلامی است. این اعتراضات هر روز توده گیرتر و تعرضی تری میشود. مردم آزادیخواه تا همینجا با تحرک گسترده و قاطع خود، جواب شایسته ای کف دست رژیم جنایت و خفقان گذاشته اند و تودهنی محکمی به نیروهای سرکوبگرش زده اند.

این اعتراضات را باید تا تحقق خواستههای آزادیخواهانه آن و تا عقب راندن کامل نیروهای سرکوبگر رژیم ادامه و گسترش داد. مقابله قاطعانه توده های مردم کردستان و پافشاری بر خواست محاکمه عاملان کشتارهای اخیر، آزادی فوری همه دستگیرشدگان و خروج نیروهای نظامی رژیم از شهرها، میتواند رژیم اسلامی را به زانو درآورد و به سرانجام سرنگونی این رודرویی، رژیم جانبدار اسلامی و نیروهای سرکوب و اختناق آن باید از مردم ضربات سنگین بخورد و فلج شوند.

در ارتباط با این اعتراضات، فراخوانی توسط کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، به اعتصاب عمومی در روز یکشنبه ۱۶ مرداد در شهرهای کردستان داده شده است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از این فراخوان کومه له حمایت میکند. ما برای شرکت فعالانه و مبتکرانه در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان و برای تحقق عملی این اعتصاب و مطالبات آن تمام تلاش خود را در شهرهای کردستان و در داخل و خارج کشور بکار خواهیم گرفت.

حزب حکمتیست، طبقه کارگر، مردم زحمتکش و آزادیخواه را فرامیخواند که در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان در روز یکشنبه ۱۶ مرداد فعالانه شرکت کنند. از همه فعالین و دوستداران حزب حکمتیست میخواهد با حضورمبتکرانه و فعالانه و بسیج مردم برای تضمین پیروزی این اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان تلاش کنند.

جمهوری اسلامی را باید به همچنانکه تنفر مردم اهواز از حکومت اسلامی ربطی به جریانات قومی الحوزا نداشت. همچنانکه تنفر عمیق مردم تهران از جمهوری اسلامی ربطی به "هخا" نداشت.

مردم! باید هوشیار بود! و اجازه نداد گروههای قومی فاشیستی از اعتراض برحق ما، از تنفر عمیق ما علیه جمهوری اسلامی، دستمایه ای برای تبلیغات قومی و ارتجاعی خود دست و پا کنند. مبارزه مردم کردستان، اعتراض ما علیه اعدام و

یکشنبه ۱۶ مرداد را تعطیل اعلام کنید.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم
گورش مدرسی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

۱۲ مرداد ۱۴ (اوت ۲۵)

بازندگان اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد!

اهداف ناسیونالیسم کرد، خنثی هستند، بی تاریخ اند و نظاره گر خاموش. متوجه نیستند که ناسیونالیسم کرد برای مردم کردستان ایران، صرفاً و فقط یک باور خرافی نیست، مصاف ناسیونالیسم و کمونیسم را خود در سیر زندگی و مبارزه تجربه کرده اند. سرمایه گزاری بر فراموشکاری حافظه زنده مردم کردستان در ربع قرن اخیر، یک وجه مهم مهندسی سناریو قومی و ملی و فدرالیسم قومی است. این تاریخ را ما اجازه نخواهیم داد که به پستوخانه تاریخ و زیر آوار مهندسی هویت قومی و عشایری و طایفه ای و خانجانی مدفون کنند. و هر کسی و هر جریانی که انسانیت نقطه شروع و نقطه رجوع اش است، نباید چنین اجازه ای را بدهد. اگر هویت قومی یک هویت وارونه و جعلی و خرافه است، مصلحت سوسیالیسم و انسان و جامعه انسانی و آرمانهای برابری طلبانه و آزادیخواهانه در بطن علائق و عواطف مردم، حقیقتی عینی و واقعی است. ما در

ادامه در صفحه ۵

کارگر باید در صف اول جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی تضمین کند که این انقلاب نه تنها پیروز میشود بلکه پیش در آمد یک انقلاب بیوقفه به انقلاب رهائی بخش انسان، انقلاب سوسیالیستی طبقه ما خواهد بود. جای شما صف اول این اعتراض است. روز یکشنبه ۱۶ مرداد باید همه چرخ ها از حرکت بایستد. جمهوری اسلامی باید بفهمد که در مقابل طبقه کارگر نه برق دارد، نه نفت، نه آب و نه نان. ناچار است گورش را کم کند.

مردم سراسر ایران، امروز باید به حمایت از مردم در کردستان برخاست. این مبارزه مبارزه ما برای آزادی و برابری است و مردم کردستان در این رودرویی با جمهوری اسلامی نباید تنها بمانند. به مبارزه مردم کردستان بپیوندید.

سناریو سازان آینده فدرالیسم قومی یکی از بازندگان این عرض اندام و خیزش توده ای از آب درآمدند. صابون به شکم خود زده بودند تا اینها با بلند کردن پرچم کردستان و تفرقه افکنی در صفوف مبارزه مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی و زدن رنگ انزوا و کردی، چشم انداز یک حکومت خانجانی و طایفه ای از روی نسخه بساط لفت و لیس حکومت باند عشایر جلال طالبانی در سلیمانیه و کردستان عراق را در برابر مردم کردستان ایران بگیرند. فرض شان و پیش فرض شان، این بود که مردم کردستان جاده صاف کن حکومت آنها در فدرالیسم موعود خواهند بود. و کومه بینی ناشی از نگرش قومی و ملی و طایفه ای به مردم مجال این را به آنها نداد تا ریشه های عمیق تر پیوند مبارزات مردم کردستان با آرمانها و افق سوسیالیستی و انسانی و آزادیخواهانه را ببینند. بر دیوارهای ابری این باور خرد تکیه زنده که انگار مردم کردستان در مصافهای زندگی در باره ماهیت و خاستگاه و

هشدار به مردم آزاده سنندج!

سنندج ندارد. هیچ چیز از اعتراض مردم علیه یکی از هارترین و ارتجاعی ترین رژیمهای معاصر، بر حق ترو قابل دفاعتر نیست. مردم سنندج تا کنون به کرات در مقابل جمهوری جنایت کار اسلامی ایستاده اند و اعتراض و تحصص و تظاهرات کرده اند. ما همین دیروز شاهد اعتراض برحق مردم مبارز سنندج علیه جنایات جمهوری اسلامی در مقابل استانداردی کردستان بودیم. اما گروهها و جریانات قوم پرست و ارتجاعی میخواهند از تنفر عمیق ما مردم آزادیخواه علیه حکومت اسلامی استفاده و به اعتراض بر حق ما رنگ قومی و فاشیستی بزنند. اینها در میان ما مردم

حکومت اعتراضی قرار گیرند. جنایتکاران جمهوری اسلامی باید معرفی شوند، نیروهای نظامی و انتظامی باید از جمهوری اسلامی خارج شوند و همه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی باید آزاد گردند.

انقلاب علیه جمهوری اسلامی در حال شکل گیری است. انقلابی که نه تنها امروز بلکه سرنوشت نسل های آینده طبقه ما و انسانهای این جامعه را رقم خواهد زد.

برچیدن نظام جمهوری اسلامی و جایگزینی فوری آن با دولت مردم قیام کننده بر اساس منشور سرنگونی رژیم اسلامی بیش از هرکس منفعت طبقه کارگر را منعکس میکند. طبقه



ایرج فرزاد
Iraj.farzad@gmail.com

اعتصاب عمومی روز ۶ مرداد در شهرهای کردستان قدرت و استحکام ته مردم به جمهوری اسلامی را بطور برجسته ای نشان داد. اما این حرکت، یک حرکت خلق الساعه و بی زمینه نبود. مردم کردستان در مصاف با جمهوری اسلامی بویژه در تاریخ ربع قرن اخیر در معرض تاثیرات جدال و کشمکش دو گرایش راست و چپ، و بطور مشخص سوسیالیسم و ناسیونالیسم نیز بوده اند. این حرکت بار دیگر جدال دو سناریو در مورد افق مبارزات مردم کردستان را به نقطه اوج تازه ای رساند و بار دیگر نقشه و سناریو ناسیونالیسم کرد و در راس آن جناح متعصب و فالانژ قوم پرستی را بر هم زد.

مردم مبارز سنندج! زنان، جوانان، کارگران امروز و بدنبال شایعات چند روز گذشته در سنندج، نامه ها و فراخوانهایی با محتوای بشدت قومی و بدون امضاء در سطح شهر سنندج پخش شده که در آنها از مردم دعوت به شرکت در تظاهرات شده است. بطور مشخص و یکبار دیگر آرمانهایی را با نقشه کردستان بزرگ پخش و از مردم دعوت گردیده است تا فردا، دوشنبه ۱۰ مرداد ۸۴ در پارک استقلال تظاهرات کنند و این آرمانها را به سینه بزنند.

این نامه ها و اقداماتی از این قبیل که کار گروهها و جمعهای قومی و ارتجاعی است ربطی به مردم

**پیامهای مربوط به اعتصاب عمومی در کردستان
پیامها و فراخوانهای شخصی به مردم کردستان**

حسن قادری : فراخوان به مردم مبارز مهاباد برای شرکت در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان
مظفر محمدی : رفقا و دوستان عزیز در همه شهرهای ایران!
عبدالله شریفی : به مردم انقلابی شهر پاوه ! در اعتصاب عمومی زور یکشنبه شهرهای کردستان
ایران شرکت کنید
سعید قادری و رحمت فاتحی : به مردم شهر بائه ! دعوت به مشارکت فعال در اعتصاب سراسری
شهرهای کردستان در روز یکشنبه (۱۶ مرداد)
جلال برخوردار (کاکا) : خطاب به سنج سرخ
رنوف آفسابی : فراخوان برای اعتصاب عمومی روز یکشنبه ۱۶ مرداد در شهرهای کردستان ایران
علی عبدالله : فراخوان علی عبدالله به مردم سردشت برای شرکت گسترده در اعتصاب سراسری
شهرهای کردستان!
مجید حسینی : یکشنبه ۱۶ مرداد روز اعتصاب عمومی و یکپارچه علیه جمهوری اسلامی است!
صالح سرداری : به مردم مریوان ! در سالگرد کوچ دستجمعی ۲۶ سال قبل مریوان در اعتراض به
سرکوبگری های رژیم روز یکشنبه شهر را یکپارچه تعطیل کنید.
ایرج فرزند : به مردم سنج ! روز یکشنبه ۶ مرداد، متحد و همبسته در برابر رژیم جنایتکاران
اسلامی
محمد محمدی : به مردم سقز ! در اعتصاب عمومی روز یکشنبه شرکت کنید
ابراهیم باتمانی (شیروانه) : به مردم کامیاران و حومه ! در اعتصاب عمومی روز یکشنبه شرکت
کنید
خالد حاج محمدی : مردم مبارز سقز ! در اعتصاب عمومی روز یکشنبه ۱۶ مرداد شرکت کنید!
فاتح شیخ : به مردم انقلابی کردستان ! با اعتصاب عمومی یکشنبه متحدانه علیه جمهوری اسلامی بیا
خیزید!
حامدخاکی : حمایت از فراخوان اعتصاب عمومی وظیفه هر انسان شریف و ازادخواه است
رضا کمانگر : پیام به مردم مبارز کامیاران و منطقه آفرست قدرت نمایی ما فراهم شده است
ابراهیم رستمی : به استقبال فراخوان سازمان کردستان حکا- کومه له برای اعتصاب عمومی در
کردستان بشتابیم
مظفر قلاچی : با شرکت فعالانه خود در اعتراض ۱۶ مرداد، به رژیم جمهوری اسلامی نشان دهید
که باید گور خود را گم کند
پناهجویان سیاسی در ترکیه : دفاع و پشتیبانی از مردم کردستان یک وظیفه انسانی است !
بهر روز آرژنگ و جمعی از فعالین کمونیست در استکهلم : از اعتصاب عمومی روز یکشنبه مردم
کردستان پشتیبانی کنیم

August 6, 2005 11:23 PM

شهرها خود را برای اعتصاب آماده میکنند.

مردم سقز برای اعتصاب عمومی خود را آماده
کرده اند! نیروهای رژیم در سقز دست به مانور
وسیع زدند!
اطلاعیه شماره ۵۳ کمیته سقز حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست

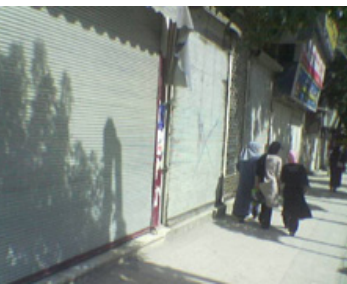
امروز شنبه ۱۵ مرداد برابر با ۶ آگوست ۲۰۰۵. شهر سقز شاهد
جنب و جوش خاصی بود. هم مردم هم رژیم خود را برای فریاد اما
ده کرده اند. خبر اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان به گوش
همه رسیده است. از محافل و داخل تاکسی گرفته تا جمعهای
خانوادگی، قهوهخانه و محل کار بحث اصلی مردم بحث اعتصاب
عمومی است.

دیشب در محلات وسیعی از شهر از جمله، تپه مالان، برد بران، ۳۲
متری، کریم آباد، منطقه گاراژ شهر، چهار راه آزادگان، محله جامعه،
فلکه عقاب (میدان هه لو) شهرک دانشگاه، محله سیلو، کشتارگاه
قدیم، حمال آباد بالا و پایین، شریف آباد، جاده ملقرنی و ... پیامهای
کورش مدرسی، محمد محمدی، خالد حاج محمدی و فراخوان کمیته
کردستان در مورد اعتصاب عمومی یکشنبه پخش شده است.
فراخوانها با استقبال وسیعی مردم شهر روبرو شده و در جمعها و
محافل مختلف مورد بحث قرار گرفته است.
امروز بازار شهر شلوغ بود. مردم برای اعتصاب عمومی خود را
آماده کرده و سایل مورد احتیاج خود را خریده اند.
رژیم نیز برای مقابله با مردم در این مدت خود را به شدت آماده
کرده است. دیروز جمعه ۱۶ فروند پلی کبوتر، ۴ تانک و ۳ هزار نفر از
نیروهای گارد ویژه به تیب ۲ پادگان سقز اضافه کرده اند.
امروز نیروهای رژیم وسیعاً در شهر پخش شده بودند. برای
ادارات دولتی و بانکها و مراکز خود در شهر حفاظتهای توری
درست کرده اند تا مانع آسیب دیدن اماکن دولتی شوند. امروز در
ساعت ۸ عصر دهها موتور سوار همراه دهها ماشین از نیروهای
انتظامی برای ترساندن مردم، در شهر رژه رفته اند.

خالد حاج محمدی
دبیر کمیته سقز حزب حکا- حکمتیست
(۶ آگوست ۲۰۰۵) ۱۳۸۴

قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۶ مرداد از طریق دهها اطلاعیه از کمیته کردستان و

کمیته شهرهای حزب، خبر اعتصاب عمومی، وسیعاً پخش شد.
شهرهای سقز، کامیاران، پاوه، جوانرود، دیواندره، بوکان، مهاباد، بائه، سردشت یکی پس از دیگری به اعتصاب
عمومی پیوستند.



مردم شهرهای کردستان دست به اعتصاب عمومی زدند!

مبارز کردستان که یکپارچه به این
اعتصاب عمومی پیوستند درود میفرستد
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست
۱۶ مرداد ۱۳۸۴ (۷ اوت ۲۰۰۵)

جا در حالت آمده باش هستند و تمام
مغازه ها و بازار شهرها تعطیل است.
ما در اطلاعیه های خود اخبار
مفصلتر را در مورد این اعتصاب عمومی
و اخبار بقیه شهرها را به اطلاع خواهیم
رسانید.
کمیته کردستان حزب حکمتیست به مردم

به استقبال اعتصاب عمومی رفته اند. طبق
اخباری که تا ساعت ۱۰ و ۳۰
دقیقه صبح به وقت ایران از شهرهای
مهاباد، سردشت، بوکان، سقز، مریوان،
کامیاران، اشنویه و پیرانشهر بدست ما
رسیده، در تمام این شهرها تعطیل
عمومی است. نیروهای انتظامی در همه

اطلاعیه شماره ۱ کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
(ویژه اعتصاب عمومی در شهرهای
کردستان)
طبق اخباری که تا کنون بدست ما
رسیده از صبح امروز یکشنبه ۱۶ مرداد
۸۴، مردم در شهرهای کردستان وسیعاً

در خلال این مدت در نهایت توحش سرکوبگرانه جلادان اسلامی، صدها نفر دستگیر، دهها نفر زخمی و چندین نفر
جان باختند.

مبارزه برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی را باید در سراسر ایران گسترش داد.

صدایی از اعماق، در حاشیه انتقادات اصغر کریمی



شریا شهابی

تشویق کند، فکر نمی‌کنید که این برای کسی که ادعای چپ بودن میکند، بهتر از دنباله روی از گنجی، هخا، الاهواز و ناسیونالیسم کرد است. اما در حاشیه، نقد اصغر کریمی "زیست" و "دکوراسیون" مخصوصی دارد که بسیار جلب توجه میکند. او در هر سطر چند بار ما را با نام "منشعبین" خطاب قرار میدهد! جدا وقتی همه ما را به نام حکمتیست‌ها می‌شناسند، همین چند وقت پیش بدون اجازه "اداره" سانسور ادبیات کمونیستی" در حزب شان، کتابی به قطر 1800 صفحه از منصور حکمت منتشر کرده ایم، و در حالی که همه جس حکمتیست‌ها را از لندن تا فرانکفورت و استکهلم در اعتراض به رژیم اسلامی دیده‌اند، اطلاق عنوان "منشعبین" به ما از جانب اصغر کریمی و دوستانش، چه کم لطفی رمانتیکی است!

عروج خمینی حق داشتند به مردم بگویند که به دنبال خمینی با هیچ شعاری و با هیچ بهانه‌ای نی‌روید. آن روز جنبش ما حق داشت مردم را نسبت به خطر به قدرت رسیدن اسلامی سیاسی، با پرچم دروغین انقلابی روز، با شعارهای "ضد امپریالیستی" و "مستضعف پناهی" برحذر و آگاه کند. و امروز هم ما حق داریم که در مقابل همان صدا از اعماق، که مردم را به "همه با هم" و دنباله روی از هرکس که تکانی می‌خورد فرا میخواند، به ایستیم. این اتهامات وارد است ما می‌خواهیم و تلاش می‌کنیم که مردم ایران را در جنبش سرنگونی صاحب یک پرچم، یک پرچم قوی کمونیستی کنیم. اتهامات اصغر کریمی بی پایه نیست! دوست سابق! منشور سرنگونی ما را بخوانید و مردم را به دنباله روی از آن

اصغر کریمی میزند همان صدای چپ سنتی از اعماق انقلاب 57 است که به کمونیست‌هایی که به مردم هشدار میدادند که به دنبال خمینی نی‌روید، مهر لیبرال و سازش کار و راست و طاغوتی میزد. اصغر کریمی مردم را روشن نمی‌کند. اینها چنین نقشی برای خود قائل نیستند. قرار است خودبخود کمونیسم و چپ بدون تلاش‌هایی از جنس تلاشهای حکمتیست‌ها، به قدرت برسد. دوست سابق! نگران بحران و دعوا در حزب ما بر سر این ابتدائیات مارکسیستی نباشید. فکری به حال مردمی بکنید که آنها را دنباله روی هرکس در جنبش سرنگونی، هرکس جز حکمتیست‌ها، می‌کنید! مردم ایران، چپ در ایران تجربه انقلاب 57 را در دارد. کمونیست‌های 26 سال پیش با

است به دنبال هخا، گنجی، و ناسیونالیست‌ها در کردستان بیفتند. و چرا یک هوادار حکمتیست‌ها در ایران در گزارش خبری اش به ماشینی که در اعتراضات به آتش کشیده شده است توهین کرده و آن را فصولاً قراضه خوانده است! از این بیشتر اصغر کریمی اعتراض میکند که چرا ما خواهان رهبری خودمان، یعنی رهبری کمونیستی بر جنبش سرنگونی هستیم! می‌گوید ما فقط اگر حرکتی تحت رهبری حکمتیست‌ها باشد آن حرکت را توی بوق می‌کنیم. این اتهامات وارد است. ما نمی‌خواهیم مردم ایران در جنبش سرنگونی سرباز گنجی، رفسنجانی، هخا، الاهواز و ناسیونالیسم در کردستان شوند. ما نمی‌خواهیم به جای جمهوری اسلامی حکومت فاشیستی دیگری بنشینند. این یعنی حکمتیسم و حرفی که

اصغر کریمی از رهبری جدید حزب کمونیست کارگری به بهانه اعتراضات مردم در کردستان، فرصتی برای ابراز سیاست علیه ما پیدا کرده است. او چند اطلاعاتی خبری و اطلاعاتی های حزب را به شیوه ای خیاطی و تکه دوزی کرده که به قامت لباس فحاشی هایشان برانزده شود. می‌گوید که چرا ما به مردم می‌گوئیم که راست هم در جنبش سرنگونی آترناتیوی است! چرا به توده‌ها که همان واژه آشنای 26 سال پیش خلق است، اتهام "میزنیم که ممکن

صدها نفر دستگیر میشوند.

ضد کارگری فرامیخواند. کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ۱۶ مرداد ۱۳۸۴ (۷ اگوست ۲۰۰۵)

فعالیت با کمیته پیگیری تشکلهای کارگری و تشکیل تشکل کارگران بیکار و داشتن سایت کارگری مجرم به حساب آورده اند. کمیته سقز حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن این اقدام رژیم اسلامی، مردم مبارز سقز و تمام نهادهای و تشکلهای کارگری و انسان دوست را به اعتراض علیه این اقدام

۲۰۰۵، برهان دیوارگر از فعالین کارگری ایران و از دستگیرشدگان اول مه سقز، بازداشت شد. مزدوران رژیم به شیوه همیشگی ساعت ۲ بامداد از دیوار خانه برهان، داخل منزل او شده و او را با خود برده اند. صبح امروز برهان را به دادگاه برده اند. طبق اطلاع در داگاه او را به دلیل

برهان دیوارگر دستگیر شد! اطلاعیه شماره ۵۴ کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ساعت ۲ بامداد امروز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۸۴ برابر با ۷ اگوست

سندج در سکوت فرو رفت! کرکره ها پایین کشیده شد! دورود بر اتحاد و همبستگی مردم در سندج!

اعتراض تاریخی مردم در شهر های کردستان هستیم. در گزارشهای بعدی اخبار دقیق تر منعکس خواهد شد. بار دیگر درود بر این همبستگی مرگ بر جمهوری اسلامی! نوید احمدی نیا از سندج یکشنبه 16 مرداد 84

در اعتراض به جنایات وحشیانه رژیم، بار دیگر جویای شایان این مزدوران و جانیان را حواله شان کرد و گامی دیگر به عقبشان راند. جهانیان شاهد اعتراض یک دست و همبسته مردم در شهرهای کردستان خواهند بود و سکوت‌ها در هم خواهند شکست! از تمام مردم آزادیخواه و شریف ایران و جهان خواهان پیوستن و حمایت از این

فرو رفت و مغازه دارها کرکره دکانهایشان را پایین کشیدند. بخش بزرگی از کارگران شهرک بزرگ صنعتی یا سر کار نرفتند و یا اصلا کارگاهها را بستند. سندج شاهد یک روز تاریخی خواهد بود! امروز را همگان به خاطر خواهند سپرد! این اتحاد و یکپارچگی مردم سندج از کسبه و بازاری گرفته تا مردم عادی که اکثرا به خانه هایشان رفته اند

می شود، ساعات ظهر ا اینجا است و رفته رفته شهر در سکوت کامل می رود. شلوغ ترین خیابان شهر، ششم بهمن (پاسداران) که در روزهای عادی در این ساعات جای سوزن انداختن نیست کاملا خلوت شده و تمام مغازه ها در این خیابان بسته شد. خیابان سیروس و هر دو بازار اطراف آن تعطیل شد. خیابانهای شاهپور و فرح نیز در سکوت

درود بر تمام کسانی که امروز با همبستگیشان بار دیگر حق این رژیم جنایت کار را کف دستش گناشتند! از صبح امروز مردم سندج در محله های غفور، فرح، شاهپور، وکیل و بازار شروع به بستن مغازه هایشان کردند. غفور کاملاً سوت و کور بود و محله های دیگر نیز نیمه باز بودند. همین الان که این گزارش نوشته

<p>کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست دبیر: حسین مرادبیگی (جهه سور) h_moradbiegi@yahoo.com Tel: 00447960233959</p>	<p>اکتبر چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!</p>	<p>اکتبر سردبیر: عبدالله شریفی sharifi_abdollah@yahoo.com Tel:00467369752 26 دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی esmail.waisi@gmail.com</p>
--	---	---

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بپیوندید!

اعتصاب سراسری مردم در کردستان شروع کار است!

مردم انقلابی شهرهای کردستان! اعتصاب عمومی شما مشت محکمی بر دهان جمهوری اسلامی گوید!

درد بر شما که با اعتصاب عمومی تان در تمام شهرهای کردستان نشان دادید که پرچم آزادی و برابری و نفرت همگانی از جمهوری اسلامی چه قدرتی دارد. اعتصاب سراسری شما دوران جدیدی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی در سراسر ایران را گشود. باید با چشمی باز و با عزمی جزم و هوشیارانه به استقبال این دوران رفت.

اعتصاب سراسری مردم در کردستان برای اولین بار مبارزه هماهنگ و همگانی مردم علیه جمهوری اسلامی را بعد از بیش از بیست سال به واقعیت تبدیل کرد. در این اعتصاب تنها این یا آن بخش مردم و جامعه درگیر نبودند، تنها جوانان، کارگران یا زنان در مقابل

جمهوری اسلامی قرار نگرفتند. کل انسانهای شرافتمند و انقلابی در کردستان در یک صف واحد با یک خواست واحد و با یک پرچم انسانی و آزادیخواهانه در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند.

در دوران اخیر مبارزه علیه جمهوری اسلامی تاکنون در هیچ جای ایران این چنین تمام مردم در یک صف واحد و آزادیخواهانه در مقابل جمهوری اسلامی نایستاده بودند. اعتصاب عمومی شما فصل تازه دوران جدیدی را در مقابل مردم با جمهوری اسلامی در سراسر ایران گشود. مردم ایران از این پیروزی انرژی و قدرت گرفتند. این پیروزی نقطه جدیدی در تعرض مردم ایران به جمهوری نکبت اسلامی از تهران تا بندر عباس و از تبریز تا مشهد خواهد بود.

خواسته بودیم نشان دهید که سنج و میروان و سقز و سایر شهرهای کردستان در

انقلاب آبی ایران نقش تبریز در انقلاب مشروطه را بازی خواهند کرد با این تفاوت که این بار ما پیام آور آزادی، برابری و رهایی قطعی انسان خواهیم بود. اعتصاب سراسری مردم نشان داد که این خواست نه یک روی که یک واقعیت زنده و کوبنده است. سنج سرخ دارد رنگ خود را به همه شهرهای کردستان میزند.

مردم! این اعتصاب گام اول در متحد کردن صف عمومی انقلاب علیه جمهوری اسلامی بود. گرچه ایجاد فضای میلیتاریستی از طرف جمهوری اسلامی از یک طرف و تبلیغات عقب مانده و ارتجاعی قوم پرستان، از طرف دیگر، در ابتدا تردیداتی را بوجود آورده بود. اما اعتصاب عمومی با قدرت و با موفقیت تمام شهرها را در بر گرفت.

برداشتن این گام پیروزی عظیم انسانیت انقلابی بود. گام های بعدی نیز باید با همین قدرت و

شما خواهیم گرفت. اجازه نخواهیم داد حاصل سالها مبارزه در راه برابری و انسانیت را به عنوان ضمیمه تاریخ قومی و بخش حاشیه تاریخ ضد انسانی فئودالها و سران عشیره و جنبش کردیه تی آنان به ثبت برسانید و به خورد این مردم بدهید. این تاریخ را بارها و به شیوه های گوناگون و در پرتو مبارزاتی از نوع مبارزه و تحسن و اعتصاب کارگران، اول ماه مه ها، روزهای هشت مارس و مارش دفاع از حق و حرمت کودک، در تحسنا و راهپیمائیه و با عزم راسخ در دفاع از جنبش برابری طلبانه زنان، در این حرکت اخیر اعتصاب عمومی به عنوان تاریخی که آینده جامعه را شکل خواهد داد زنده و بازگوئی و بازسازی خواهیم کرد. نمیگذاریم مردمی با چنین تاریخ را به کوره های نفرت و پاکسازیهای قومی و نهنتهای ارتجاعی و تفرقه افکنانه بسپارید. اعتصاب عمومی ۶ مرداد به روشنی نشان داد که این مردم مصمم اند خود سرنوشت و مقدرات خود را بدست گیرند، این مردم طلبیه رهایی را در دور افکنند خرافه ها و باورهای وارونه قومی و ملی و بدست گرفتن آن حلقه ای که بشارت آزادی و برابری و حرمت انسانی را میدهد، دیده اند. اعتصاب عمومی مردم و پاسخ دادن به فراخوان چپ و حکمیستنها، نیز همان حال یک نه بزرگ به تمام تقلاهای ارتجاعی ای بوده است که محصول حکومتی آنها همین مردم در سلطه عشایری دارودسته مسلح اتحادیه میهنی می بینند. سازمان زحمتکشان، به عنوان تجسم سیاسی این جهالت قومی و مرکز ثقل این ارتجاع فاشیستی، در مقابل به

مبارزه مردم کردستان ایران در برابر سناریو قوم پرستان و در نتیجه پوچ درامدن رویاهای ارتجاعی آنان بود. چشم انتظار بودند تا با باد زدن جهالت قومی، تخم نفرت و جدائی را بین مبارزات مردم کردستان با کارگران و مردم ایران بیاشند، در محاسبات ارتجاعی خود برای سپاندن مهر کردی به هر حرکت و جنب و جوشی، در اوام برپا کردن کپی بساط بچاپ بچاپ احزاب عشایری و پسر خواندگان نشان که در گرماکرم اعتصاب سراسری مردم کردستان ایران، به روی مردم سلیمانیه آتش گشودند، سرشان به سنگ خاری حرمت و کرامت انسان خورد.

نه سران خود گمراهه قوم نه! اگر شما تاریخ خانها و سران عشایر و لشکر کشیها و قتل عامها و کشتارها و شهر سوزاندهای آنان را به عنوان تاریخ کردی خود بازسازی کرده اید، این مردم صفحاتی از تاریخ ازبوی انسانیت و صدها کمونیست و سوسیالیست انقلابی را در مصاف و تقابل با پاسداران "به روز شده" همان تاریخ شما در تاریخ معاصر کردستان ایران گشوده اند. ارتجاع هر اسلامی با خلالها و لاجوردیهایش و با میدانهای تیر باران و لشکر کشیها نتوانست این سنگر آزادی و برابری را تصرف کند، شما نیز با پدرخوانده ها و به ضرب بمباران فکر و مغز مردم با سموم قوم پرستانه از پس این مردم بر نمی آید، آخرین نمونه ها را در اعتصاب عمومی روز ۶ مرداد دیدید، به آنکا این سنگر و با پشتگرمی این نیروی عظیم مجال پاشیدن هویت قومی و حقنه تعلقات خرافی و ناسیونالیستی به این مردم را از

با همین هوشیاری و با همین اتحاد برداشته شونند. این تازه شروع کار ماست. سیر متحد شدن سراسری مردم تنها آغاز شده است. از این پس باید باهم و هماهنگ وارد میدان شد و عمل کرد. قدرت ما در اتحاد ماست و اتحاد ما مستلزم یک پرچم واحد آزادیخواهانه، پرچم آزادی و برابری همه انسانها مستقل از جنس و رنگ و نژاد و قوم و پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی است.

قدم بعد گسترده تر کردن این اتحاد در ابعاد وسیعتر و عمیق تر است. باید خود را آماده رودروئی های بعدی با جمهوری اسلامی کرد. باید دستگیر شدگان را آزاد کرد، باید کاری کرد که نیروهای جمهوری اسلامی از شهرها بیرون بروند و با عملا دست آنها از زندگی مردم کوتاه شود. باید شهرها و محلات به تدریج به مناطق خارج از کنترل جمهوری اسلامی تبدیل شوند. باید صف متحدتر، وسیعتر و

اننان همیشگی خود، به تبلیغات رذیلاانه روی آورد و دلک های اسرارخانه های سرسرای خانجانی و شاعر و ماعرهای خود را به جلو کیش داد. بازتاب شکست حقیقه کردن هویت قومی و عشیره ای و خاندانی در روبرو شدن با نیروی عظیم آزادیخواهی و انسانیت و پاسخ مثبت دادن به فراخوان چپ و حمایت حکمیستنها از آن، به نمایش گوشه دیگری از سنت و فرهنگ ادبیات و میراث کردیه تی انجامید. مردم با اعتصاب عمومی خود، و بی اعتنائی به تحریکات قومی و تبلیغات عرق قوم و قبیله ای و به هیچ گرفتن فراخوان بازگشت به سنت و میراث و فرهنگ خوانین و سران عشایر در روز ۶ مرداد، اینها را با الجزار عفونی محل زیست و باز تکثیر شان تنها گذاشت.

و اما از سوی دیگر سرنوشت چپ هپوتی که با سیاستهای با درایت رهبری جدید حزب کمونیست کارگری خو گرفته است، سیاستی که در باره ماهیت گرایشات راست و قوم پرستانه خنثی است و بر این باور ساده اندیشانه استوار است که میتواند سوار بر ترک هر جریان و حرکت و شلوعی قوم پرستانه و ناسیونالیستی، صفوف خود را با نجوای "سوسیالیسم بیا خیز" تسکین دهد، نیز یک بازنده دیگر این ماجرا بود. این سیاستمداران آماتور، عینا چون مورد هخا و تحریکات قومی در اهواز، چشم خود را بر پرچم قوم پرستان و فضا سازیهای آنها بستند، و اما درست آنجا که چپ و حکمیستنها پرچی بلند کردند، به ما لیچار گفتند. اما داستان رهبری جدید حزب کمونیست

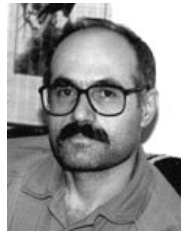
همگانی تری علیه جمهوری اسلامی را به میدان آورد. طبقه کارگر و همه کسانی که در صنایع کلیدی کار میکنند باید در صف اول این اعتراض جمهوری اسلامی را فلج کنند. جمهوری اسلامی باید بدون برق و آب و نفت و ارتباطات زمین گیر و فلج شود.

همه منتظر تعرض بعدی مردم علیه جمهوری اسلامی هستند. این انتظار طولانی خواهد بود. ما این را تضمین میکنیم.

درد بر مردم قهرمان و انقلابی در کردستان زنده باد آزادی و برابری! مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم! کوروش مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - ۱۶ مرداد هشتاد و چهار

کارگری، اساسا به دلیل تازه کار و آماتور بودن هم قدری متفاوت است و هم متأسفانه قدری فکاهی. اینها در مسیر تبدیل شدن به یک فرقه بی ربط به جامعه و مکانیسمهای اجتماعی دارند چهار نعل میتازند، اما این خاستگاه غیراجتماعی بدون دست بردن به یک اهرم ضدانتقادی ظاهرا ناممکن شده است. بر خارج از دایره رهبری، آنجا که هواداران انسان با جامعه و مسائل آن روبرو هستند، آنجا که پاسخ به واقعات زخمی، مرز دنیای برونی را در هم می نوردند، آنجا که هوادارشان تحریکات قومی و ناسیونالیستی و شعارها و مهندسی افکار را از سوی آنان می بینند، سوال و طرح ابهامات با یک تعرض شدید ضد انتقادی از جانب رهبری این حزب روبرو میشوند. سوال را باید با یک تعرض ضد انتقادی در نطفه خفه کرد. و این را با لیچارهایشان به ما حکمیستنها اما رو به صفوف خود پیش میبرند. میخواهند مردم فراموش کنند که رهبری جدید حککا، باز عینا چون مورد هخا و تحریکات قومی اهواز، به هر "شلوعی" که زیر پرچم پژاک و قوم پرستان قرار بود راه بیافتد و اتفاقا و دست برقصا زیر پرچم کردستان و چهار پارچه، دست پیش انداختند و به هوادار بی خبر فراخوان داد که بر ترک سوار شوند، اما ایشان باشد که ورد سوسیالیسم بیاخیز را به خودشان فوت کنند. خیزش مردم کردستان و اعتصاب عمومی آترناتیو اجتماعی نقشه سناریو ناسیونالیسم افراطی و قوم پرستان بود. با اینحال رهبری جدید حزب بجا مانده میبایست پژواک سیاست

اعتصاب عمومی، خواسته‌های اعتصاب و ترفندهای رژیم، گام‌های بعدی!



مظفر محمدی

مردم به خاک بسپارد. این حرکات از چشم مردم بدور نماند و رژیم نمی‌تواند این‌ها را مخفی کند جز اینکه وحشتش را به نمایش می‌گذارد و این را همه میدانند.

اکنون وقت این فعل و انفعالات و یا پیش گذاشتن آنها و تامین رهبری و نمایندگی خواسته‌های مردم را کردن است. شخصیت‌ها و نهادهای آزادیخواه و محبوب مورد اعتماد مردم در میان کارگران و زنان و جوانان و فرهنگیان و کارمندان و بازاریان و دانشگاهیان و دانشجویان کم نیستند. آلمان وقت آن است که از این موقعیت و محبوبیت و اعتماد مردم استفاده کرد و به میان آمد و نماینده خواسته‌های مردم و دفاع از فرزندانمان و دفاع از آزادی و حرمت انسانی خود و مردم شد. این پیام را باید به گوش همه این انسان‌های هشیار و دلسوز و آماده برای این کار انسانی و آزادیخواهانه رساند.

در همان حال ما موظفیم پیام اعتصاب مردم کردستان را که همبستگی و وحدت سراسری است به همه شهروندان در ایران برسانیم. مردم در همه شهرهای ایران نباید همسرنوشتانشان را در کردستان تنها بگذارند. این دانشگاه‌ها بگویم که در مورد تجارب و درس‌های این اعتصاب با مردم حرف بزنند و انتشار بدهند و کنفرانس‌ها و سمینارها و تجمعات مردمی تشکیل گردد. ناسیونالیست‌های مقیم مرکز نماینده این اعتصاب نیستند. یک اقدام انسانی و آزادیخواهانه قارغ از قومگرایی و جنس و نژاد و مذهب بود. و بالاخره به مردم جهان و همه وجدان‌های بیدار اعلام میکنیم که مبارزات مردم و اعتصاب سراسری مردم کردستان را ارج بگذارند و از خواسته‌هایش حمایت کنند. دولتها و مدعیان ساکت را مورد خطاب و ملامت و انتقاد شدید قرار دهیم که سکوتشان را بشکنند و خواسته‌های مردم و جنایات رژیم را منعکس کنند. ما موظفیم توجه افکار عمومی بین المللی را به حمایت از مبارزات و برحق و آزادیخواهانه مردم ایران جلب کنیم.

mozafar.mohamadi@gmail.com
www.mozafarmohamadi.com

دارای نهادهای متعددی هستند و شخصیت‌های سرشناس و محبوبی که اگر یا پیش بگذارند خواسته‌های اعتصاب و مردم را نمایندگی کنند پیروزیشان حتمی است. همیشه تکرانی از دستگیری وجود دارد. میگویند رویا طلوعی و همراهانش، عضو هیات تحصن بودند که دستگیر شدند. این درست است اما این یک‌دوره از اهمیت و درستی کار این هیات و دستگیر شدنشان کم نمیکند بلکه بیشتر حقایقت آنها را نشان میدهد که این رژیم از مبارزات سازمان‌یافته مردم و نمایندگان و شخصیت‌های میان مردم وحشت دارد. این جنایتکاران جوانان را به جرم خشونت دستگیر یا به آنها تیراندازی میکنند. در حالیکه تحصن جلو استانداری دیگر خشونت‌تر کار نبود. این نشان میدهد که خود رژیم وحشت زده از مردم به هر خشونت‌ی از دستگیری تا شکنجه و قتل مردم دست می‌زنند. رژیم خود مسبب هرگونه خشونت‌ی است. اعتراض مردم حق طبیعی آنها است. باید با پیش گذاشت و نماینده خواسته‌های اعتصاب سراسری شد. گروه‌های مردم، هیات‌های نمایندگی مردم، هیات‌های تحقیق برای بررسی وضع زخمی‌ها و دستگیر شدگان و شکنجه شدگان، میتواند و باید تشکیل گردند. توده هر چه بیشتری از مردم از بازار تا دانشگاه و در میان فرهنگیان و زنان و جوانان و سازمان‌های غیر دولتی میتوانند در این هیات‌ها و گروه‌های مردمی جمع شوند. نهادهای دولتی را تحت فشار قرار دهند و مورد بازخواست قرار دهند. باید بررسی شود که چرا از بازار تا دانشگاه و در میان فرهنگیان و زنان و جوانان به قتل رسانده اند. این کار فقط بر عهده خانواده او نیست، باید معلوم شود در جریان تظاهرات روز دو شنبه سنج چند نفر زخمی و دستگیر و احتمالاً کشته شده اند. هنوز خبر کشته شدن چند نفر در میان مردم هست. مقامات دولتی هم کشته‌های احتمالی و هم زخمیان رامخفی میکنند و از حضور مردم و ملاقات زخمی‌ها در بیمارستان‌ها جلوگیری میکنند. ملاقات دستگیر شدگان توسط خانواده و دوستانشان را مانع میگردند. باید از جانب‌اختگان جنایات اخیر رژیم تجلیل به عمل آید. رژیم حق ندارد جانب‌اختگان را شبانه با حضور نیروهای خود و دور از چشم

پرتگاه سرنگونی است. این رژیم مجبور به عقب نشینی است. مجبور به آزاد کردن همه دستگیر شدگان است. اما نمی‌خواهد وانمود شود که این عقب نشینی در نتیجه اعتصاب و زور مردم بوده است. نمی‌خواهد این عقب نشینی‌ها پیروزی مردم به حساب آید. می‌خواهد بگوید که خودش دستگیر شدگان را آزاد کرده یا میکند و به میل خودش نیروهایش را پس میکشد. هم ما این را میدانیم و هم رژیم. بنا براین مساله اول این است که همگان عظمت اعتصاب پیروزمند را ارج بگذاریم و این به تقویت روحیه عمومی منجر شود. همه ببینند و پذیرند که ما در این کار متحد شدیم و آینده مبارزه ما عمیق‌تر، سیاسی‌تر و تعرضی‌تر خواهد بود. دوم اینکه گام‌های بعدی را هشیارانه تعقیب کنیم. مردم و رهبران مردم و فعالین جریان‌ها جلوی مبارزات و اعتراضات خودجوش مردم را نه باید و نه میتوان گرفت. حتی بعضاً جلو ماجراجویی‌ها را هم نمیتوان گرفت. اما میتوان و باید به اتفاقات، آگاهانه نگاه کرد. برای مثال اعتصاب عمومی یکی از آن راه و اشکال عالی مبارزه بود که نه رنگ قومی داشت، نه ماجراجویی بود و دارای رهبری با احساس مسوولیت بود. ما به این نوع کارها احتیاج داریم. منظور این نیست هر روز میتوانیم اعتصاب عمومی فراخوان بدهیم یا این کار را میتوان کرد. اعتصاب تمام شد و پیروز شد. اما اشکال مبارزه دستجمعی و آگاهانه و صاحب دار و با اسم و رسم و دارای رهبری و با چشم‌ان باز امکان‌ها جلوی ما است. تحصن جلو استانداری یک نمونه دیگر است که هنوز هم هم تحصن کنندگان و هم خواسته‌هایشان حی و حاضرند. تحرک مجدد این شخصیت‌ها و نه‌ها کمک میکند که اعضای دستگیر شده تحصن مانند رویا طلوعی، صلاح زمانی ویا برهان دیوانگر در سقز و دیگران نیز آزاد شوند. نه اینها و نه هیچکدام از دستگیر شدگان هفته‌های اخیر نباید حتی یک روز در زندان نگه داشته شوند. مردم شهرهای کردستان و از جمله مردم سنج هنوز تجربه کانونها و نهادهای بی‌ارادند که خود عضوان بودند. هم اکنون فرهنگیان، زنان، دانشجویان و کارگران به درجه‌ای متشکل و

کرده اند. از طرف دیگر در نشست با روزنامه نگاران و خبرنگاران در همین فرمانداری از آنها خواسته اند که کمک کنند تا اوضاع را آرام کنند. به آنها گفته اند بنویسند که این تظاهرات کار اوباش است، سیاسی نیست و به جریانات سیاسی هم مربوط است! حتی گفته اند که بگویند که زانیاں اشیان در حال پخش مواد مخدر بوده است که به او تیراندازی کرده اند! اما این ترفندها مدتها است بی‌ابرو شده و این کار رژیم است که در حال غرق شدن به هر خس و خاشاکی پناه میبرد. رژیم نمیتواند و نمیداند با تظاهرات توده ای، اعتصاب عمومی، تحصن در جلو استانداری و ایجاد کمیته تحصن، جمع آوری تومار در محکومیت جنایات رژیم و دهها اقدام اعتراضی و انقلابی مردم در همه شهرهای کردستان، چکار کند و چه جوابی بدهد. هر لحظه و ساعت کاردهای ویژه اش را سراسیمه روانه خیابانها و میدانهای اصلی شهرها میکند. شبانه به محلات شهرها حمله میکند، از هر حرکت حتی نوجوانی پسر یا دختر وحشت میکند و تعقیب و دستگیر میکند. اما اعتصاب عمومی یکشنبه به این رژیم ورشکسته میگوید که باید چند میلیون مردم را دستگیرکنند تا دیگر شاهد اعتراضی نباشد! اعتصاب عمومی پاسخ ندادن شکتی بود که همه این ادعاها و تلاش‌های مذبح‌خانه رژیم و اما گام‌ها بعدی چیست؟ اولاً باید جایگاه و اهمیت این اعتصاب سراسری را آنچنان که واقعا هست درک کرد و فهمید. گفته میشود که اعتصاب کردیم ولی هنوز فرزندانمان در زندانها و پادگانهای رژیم است. هنوز نظامیان در خیابانها و محلات مزاحم کار و زندگی مردم اند، هنوز به جوانان ما تیراندازی میشود، هنوز دستگیریها ادامه دارد و ... این فقط یک مشاهده درست است، اما این یک‌دوره از اهمیت کم ابهت اعتصاب عمومی کم نمیکند. فکر نمیکنم کسی منتظر بوده باشد که در همان بعد از ظهر روز اعتصاب فوری رژیم عقب می‌نشیند و خواسته‌ها را عملی میکند. فکر نمیکنم کسی در مورد ماهیت این رژیم توهمی داشته باشد. رژیم میداند هر عقب نشینی اش به معنای نزدیک شدن یک قدم به

اعتصاب عمومی موفقیت آمیز شهرهای کردستان، مبارزه مردم را ابعاد توده ای و سراسری داده و رژیم را سراسیمه کرده است. اکنون دیگر رژیم تنها در مقابل تجمع‌های اعتراضی مردم در این و آن شهر یا این و آن محل قرار ندارد، بلکه در مقابل توده وسیع و میلیونی و سراسری قرار گرفته است که تصمیم و اراده شان را در اعتصاب عمومی روز یکشنبه 16 مرداد ماه به نمایش گذاشتند.

این دور جدیدی در مبارزه مردم است و این اتحاد و همبستگی را باید ارج نهاد و محکم به آن چسبید. اعتصاب عمومی فصل جدیدی در مبارزه مردم است و نه پایان یک کار. اعتصاب یک نقطه عطف در مبارزات دو دهه اخیر علیه جمهوری اسلامی است که تا کنون به این گستردگی و همه گیر نبوده است. این دستمایه خوبی است برای تداوم این مبارزات اما این بار با قدرت با اعتماد و اطمینان به خود بیشتر. علاوه بر این اعتصاب عمومی شهرهای کردستان و خواسته‌های هیچ مهر قومگرایی و تفرقه را بر خود نداشت. اعتصاب پیروز شد. ما از این اعتصاب متحد و همبسته و سربلند بیرون آمدیم. اکنون وقت آن است اعتصاب کنندگان و شخصیت‌ها و نهادهای تشکلهای کارگری و مردمی، زنان و دانشجویان و جوانان به گام‌های بعدی مبارزه فکر کنند. روش رژیم در برخورد به دور جدید مبارزه مردم روشن است. برای مثال فرمانداری سنج در یک نشست با شورای شهر، کسبه و بازاریان را تهدید و یا سرزنش کرده اند که چرا به فراخوان احزاب سیاسی جواب مثبت داده اند و به قول ایشان رویشان را زیاد

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری_ حکمتیست، در چندین پایتخت و شهرهای بزرگ اروپا، در آکسیون های خود افکار

عمومی جهان را به حمایت از مبارزات مردم شهرهای کردستان جلب کرده اند.

برای آزادی دستگیرشدگان به نهادهای سازمانهای مدافع حقوق مدنی در چندین کشور اروپایی مراجعه کرده اند.

از طریق مصاحبه باراديو ها و رسانه ها كوشيد اند كه حقايق را به افكار عمومي برسانند.

این مجموعه تلاش، گوشه ای از فعالیت های بی وقفه جهت شکل دادن به مبارزه متحد برای آزادی زندانیان سیاسی میباشد .

دو مانع اصلی سر راه مردم! در باره جریانات اخیر در کردستان!



مجید حسینی

مصاحبه اسماعیل ویسی با مجید حسینی در باره جریانات اخیر در کردستان!

اسماعیل ویسی:

اعتراضات سراسری شهرهای کردستان را در بر گرفته است. جمهوری اسلامی نیروهای زیادی را در شهرها متمرکز کرده است و در این مدت خیابان، کوچه ها و محلات شهرها میدان رو در روی شدید و خونین مردم با مزدوران جمهوری اسلامی بوده است. بنظر شما جریان چیست؟

مجید حسینی:

جریان این است، مردم از جمهوری اسلامی بیزارند، می خواهند هر چه زودتر این رژیم را از سر راه خود بردارند و به یک زندگی آزاد و برابر و پر از رفاه برسند. مردم برای رسیدن به این خواست از هر فرصتی برای وارد آوردن ضربه به جمهوری اسلامی استفاده می کنند. کشتن شوانه سید قادر و لت و پار کردن جشمش زیر شکنجه نمونه ای از روشهای جنایتکارانه و دانی آنها در 26 سال اخیر است و خشم مردم را منفجر کرد. دوره بده قتل عامهای قارنا و قلاتان و کشتار دسته جمعی زندانیان و اعدام 57 نفر از جوانان شهر مهاباد توسط جلالی پور، جلال پیشین و نویسنده و محقق امروز بسر رسیده است.

دستگیرهای وسیع مردم مبارزو انقلابی، شکنجه و تهدید آنها، بعدا آزاد کردنشان با ضمانت پولی هنگفت و گرفتن دانی سایه باز خواست مجدد و دادگاهی کردن بالای سر آنها، یکی از تاکتیک های مقابله رژیم با مردم است. جمهوری اسلامی خیال دارد از طریق زیر ضرب گرفتن انسانهای انقلابی و فعالین

اعتراضات توده ای جو وحشت در جامعه ایجاد نماید. تنها در سنج نزدیک به 500 نفر را دستگیر کرده اند و به همین طریق دارند آزاد شان می کنند و در شهر میروان با دستگیری تعداد زیادی از قبل دست به اقدام پیشگیرانه زدند و در بقیه شهرها جریان به همین طریق روال دارد و آمار دستگیر شدگان بسیار بالا است. سیاست رژیم این است که در حرکتی و بهر بهانه ای تعداد هر چه بیشتری را دستگیر نماید و در جریان اول تره سقزو دستگیری کارگران دارد همین برنامه را به پیش برد و باید برای خنثی کردن این برنامه رژیم تدابیر همه جانبه ای کرده رژیم از قبل و در جریان این مبارزات و بعد از این نقشه خود را دار و ما برای آن چکار می کنیم؟

از طرف دیگر امروز کمتر جنایات و اقدام سرکوبگرانه دولت هوست که از طرف مردم بی حجاب بماند. این فاکتوری است که باید در نظر گرفت و میشود از هر مسئله تنها بزرگ بلکه از هر رویداد کوچکی اعتراضات بزرگ و قوی سازمان داد. فضای اعتراضی، نیروی اعتراضی، زمینه حرکات بزرگ توده ای هست و کمبود و نواقص اینجا نیست، کمبود در سازمان و هدایت و شعارها ی آنها است.

فاکتور مهم دیگر این اعتراضات سراسری شدن آن در طی سه هفته اخیر بود. از دوران قیام و سال 58 به این طرف اولین بار است مردم این چنین وسیع در پشتیبانی از هم به میدان می آیند. این حرکات نشان داد امکان براه انداختن اعتراضات هماهنگ و سراسری علیه جمهوری اسلامی در همه شهرهای کردستان هست. تناوب سرایت و ناهماهنگی این اعتراضات به دیگر شهرها اگر چه ضعیفی بود اما چندان تعیین کننده نبود. امید وارم جواب متحدانه مردم به فراخوان اعتصاب عمومی ما در فردا سراغ از حرکت های قدرتمند ننتها در کردستان بلکه در سرتاسر ایران باشد.

ضعف این اعتراضات هر چه باشد چندان به توده مردم شرکت کننده در این مبارزات مربوط نیست و به نوع دخالت رهبران و فعالین کمونیست و تشکل و نهادهای مترقی و شخصیت های سیاسی بر می گردد. رها کردن هر حرکت و هر اعتراضی در کردستان به

حال خود آن را به دامن ناسیونالیسم پرت میکند. اوضاع در کردستان عراق، پول هنگفت و مدیای قوی قومی و نژادی جریانات ناسیونالیست به اضافه بعضی فاکتورهای عمومی تر، مردم کردستان ایران را در محاصره تبلیغات مسموم کننده و ضد انسانی خود گرفته است. نقش انسانیهای کمونیست و آگاه و پیشرو در دل این رویدادها بدون اغراق سرنوشت آینده این جامعه و فرزندانمان را رقم می زند. باید بسیار فعالانه تر، هدمند تر، بی گذشت تر، مبارز با فدرالیست چی ها و ناسیونالیسم کرد را به پیش برد و این جنبش ارتجاعی و این خرافه را به حاشیه راند.

اگر در پشتیبانی از این حرکات در بقیه شهرهای دیگر ایران اقدامی می شد و پژواک آن به مردم در کردستان می رسید برد و قدرت این اعتراضات را بسیار بالا می برد. مردم در ایران با سمیاتی و علاقه جریانات کردستان را تعقیب می کنند و باید کوشید جای خالی این ناهماهنگی را پر کرد و سراسری تر در برابر جمهوری اسلامی ایستاد. با همه اینها می بایستی حرکات اخیر با این نیرو و با این گستردگی آن تا همین جا به پیروزی مردم و شکست شد. چرا اینطور نشد، جواب دارد باید روی آن تعمق کرد و روال اوضاع می تواند به نفع مردم تمام شود.

زمان و اوضاع سیاسی امروز ایران به این اعتراضات جایگاه ویژه ای می دهد. بعد از انتخاب جنایت کاری چون محمود احمد نژاد به ریاست جمهوری ایران، این حرکات توهمات و فضایی را در هم شکست و مختصات این دوره از رودر رویی توده ای مردم ایران با جمهوری اسلامی بعد از انتخاب احمد نژاد را نشان داد. دیگر نوخردادی در بین نیست جمهوری اسلامی با همه قد و قواره اش در برابر مردم قرار گرفته است. این دوره دوره اعتراضات و رودر رویی های شدید مردم با رژیم است. دوره ای است باید خود را آماده کنیم، گاهی با تعرض و گاهی با جا خالی دادن مقطعی و با اتخاذ تاکتیک های متنوع و در اشکال مختلف با این رژیم روبرو شد. در این اعتراضات جمهوری اسلامی با همه توانش در برابر مردم کردستان قرار گرفت و می خواهد بعد از سرکار آمدن پاسدار احمد نژاد فضای خفقان و سرکوب مورد

علاقه رئیس جمهور را از کانال سرکوب حرکات اخیر کردستان به سرانجام برسانند. حتی بخشهایی از اپوزیسیون راست بر روی این جنبه برای پس زدن مردم و چپ جامعه سرمایه گذاری کرده اند. اما جوانان، زنان، کارگران و مردم آزادیخواه در کردستان به رژیم نشان دادند کور خوانده اند و گوشه ای از عزم و اراده سراسری مردم ایران برای سرتنگونی دولت جمهوری اسلامی را نمایش دادند. این دولت را باید سرنگون کرد و در طول حیاتش با کشتار و سرکوب و جنایت امروز خود را به فردا رسانده است.

اسماعیل ویسی:

چه دورنمایی در رابطه با این جنایات و بگیر و ببند رژیم از یک طرف و اعتراضات مردم از طرف دیگر پیش بینی می کنید؟ مردم باید چکار کنند؟

مجید حسینی:

دو مانع اصلی در برابر مردم کردستان قرار گرفته است. اول دولت جمهوری اسلامی با ارتش و سپاه پاسداران و انصار حزب الله و وزارت اطلاعات و حوزه های علمیه و کلیه نهاد و ارگانهای مذهبی آن. دولت با اتکا به همین نیروها جنایاتش را ادامه می دهد و خود را سر پا نگاه داشته است. باید شعار انحلال ارتش و نیروهای مسلح آن و دستگیری و محاکمه سران رژیم را به یک شعار عمومی و توده های میلیونی مردم تبدیل کرد.

مک دوم ناسیونالیسم کرد و احزاب و جریانات آن است. این جریانات مدام خرافه قومی و نژاد پرستانه و تفرقه بین مردم در کردستان با دیگر مردم در ایران را باد می زنند. با هیاهوی همین ها تعدادی در عالم بی خبری درمخ جلال طالبانی و مسعود بارزانی و کردیاتی، رقصیدند. اما همین امروز نشنبه 6 آگوست در سلیمانیه تجمع پشتیبانی مردم مبارز این شهر در پشتیبانی از اعتصاب عمومی شهرهای کردستان ایران را با رگبار مسلسل هایشان به هم زدند. اگر طالبانی دست در گردن جمهوری اسلامی دارد چرا حزب دمکرات کردستان ایران به اعتصاب عمومی مردم در کردستان پشت کرده است و از آن ناخوشوند است؟ مردم را وقتی می خواهد که "سرود ای رقیب بخوانند و چشم و گوش بسته به فرمایشات آنها بله بله بگویند؟ دارودسته باند زحمتکش برادران مهدی

معرف همه است و اصلا برای همین روزها و برای دشمنی با مردم و توطئه سرهم بندی شده اند. مردم هوشیار باشند ناسیونالیسم از ظرفیت بالای غیر انسانی و عوام فریبانه برخوردار است. کسی توهمی به جمهوری اسلامی ندارد، اما به ناسیونالیسم و کردیاتی توهم هست. نباید گذاشت بلایی که اسلام و مذهب بر سر مردم ایران آوردند، ناسیونالیسم در کردستان بر سر مردم بیآورد. اگر متوجه نباشیم کردستان ناسیونالیسم در کردستان نقش خرافه مذهبی در ایران را تکرار می کند.

امروز جامعه ملتهب است مردم در میدان اند و تشنه شعارهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه هستند. بطور مثال وزن تعیین کننده سنج در فضای سیاسی کردستان به خاطر جمعیت بیشتر آن و یا حجم بالای اعتراضات در آن نیست، چپ و کمونیسم قوی در این شهر، این جایگاه را هم امروز و هم تاریخا به آن داده است. اگر کمونیستها بجنبند می توانند تمام شهرهای کردستان را سنجند کنند و بطور واقعی این ممکن هست. کلید حل معما برای ایجاد سازمان، هدایت اعتراضات، جلو آمدن شخصیت های مترقی و به موقع عمل کردن تشکلهای توده ای پیشرو همین جا است. سوال کردید مردم باید چکار کنند، من می گویم مردم این است که رهبران مردم چه کسانی هستند و چه کاری از بر دستور می گذارند. امروز از آن روزهایی است که یک فعال کمونیست ناشناخته در مدت کمی می تواند به شخصیت مهم کردستان و منجلا ب قومی و فدرا لی، هیچ ربطی به خواست مردم و یا به رفع ستم ملی از ندارد. از دعوی ناسیونالیسم کرد با ملی گرایی ایرانی خبری به مردم نمی رسد آنها سر و ته یک کرباسند. مردم تشنه شعار و سیاستهای رادیکال هستند. آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی، آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی همه زندانیان سیاسی؛ لغو اعدام، برابری بی قید و شرط زن و مرد از جمله این خواستها است.

20050806
August 7, 2005
10:34 AM

مردم آزادیخواه شهر سلیمانیه به دفاع از مبارزات شهرهای کردستان، با شعار آزادی و برابری در چند محله شهر تجمع و تظاهرات کردند. نیروی مسلح ضد آزادی و ضد مردمی اتحادیه میهنی کردستان، به سوی تظاهرات کنندگان تیراندازی کردند. حرکت مردم آزادیخواه سلیمانیه جلوه ای از همبستگی و اتحاد برای رهایی است که مرزها و خرافات ناسیونالیستی و قوم پرستی را زیر پا نهاد.

برهان دیوار گر و همه دستگیر شدگان اخیر فوری باید آزاد شود.

جانمی وی در زندان رژیم اسلامی در خطر است. لذا وظیفه اتحایه ها و سازمانهای کارگری و نهادهای شخصیتهای مترقی و چپ است که برای آزادی فوری برهان دیوار گر و همه دستگیر شدگان وقایع اخیر با ابتکارات موثر جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. امیدوارم در این رابطه اقدام فوری در دستور بگذارید.

با احترام
رحمان حسین زاده
معاون لیدر حزب
کمونیست کارگری -
حکمتیست

صبح همان روز برای اعلام موارد اتهام به دادگاه برده میشود. ماموران جمهوری اسلامی اعلام کرده اند که او را به اتهام عضویت در کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری، ایجاد تشکل کارگران بیکار، داشتن سایت کارگری، و تبلیغ برای اعتصاب عمومی در کردستان بازداشت کرده اند. تصدیق میکنید موارد اتهامات ذکر شده جزو حقوق اولیه هر انسانی در جامعه است که در جمهوری اسلامی ممنوع اعلام شده است.

به این ترتیب اتهامات وارده علیه برهان دیوار گر بی پایه است. مضافاً امنیت

در چند مورد جلسات محاکمات همان دادگاههای فرمایشی رژیم، مقامات جمهوری اسلامی نتوانسته اند، اتهامات بی پایه علیه وی را اثبات کنند.

اکنون و در روز اعتصاب سراسری مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی بار دیگر ماموران اطلاعات جمهوری اسلامی بدون هیچ مجوز قضایی در ساعت ۲ شب وارد منزل او میشوند. بخشی از لوازم شخصی و کامپیوتر وی را مصادره میکنند و فضای ترس علیه خانواده وی ایجاد میکنند و برهان دیوارگر را بازداشت میکنند.

وسیع دستگیریهایی اخیر شهرهای کردستان است که حدود هزار نفر تخمین زده میشود.

برهان دیوار گر عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری، از بنیانگذاران تشکل سراسری کارگران بیکار، عضو سندیکای کارگران خباز سقز و مسئول کانون کودکان در سقز و مدیر مسئول یک سایت اینترنتی به نام تشکل است. او از سخنرانان مراسمهای کارگری ماه مه سال گذشته و امسال در سقز و تهران است. در ماه مه سال ۲۰۰۴ شهر سقز همراه ۶ نفر از فعالین دیگر دستگیر شد.



رحمان حسین زاده

به اتحادیه ها و سازمانهای کارگری، به نهادهای مترقی و مدافع حقوق انسان! طبق اطلاعات رسیده به ما برهان دیوارگر فعال سرشناس جنبش کارگری روز یکشنبه ۷ اوت ۲۰۰۵ توسط ماموران اداره اطلاعات جمهوری اسلامی در سقز دستگیر شده است. دستگیری او در ادامه موج

به ماموران جمهوری اسلامی در کردستان، صفوف خود را از جمهوری اسلامی جدا کنید و از مردم کردستان معذرت بخواهید!

جمهوری اسلامی است که به ما و به مردم انقلابی کردستان مراجعه کرده و بخاطر همکاری خود با جمهوری اسلامی از این مردم معذرت خواهی کنند. بجای تهدید و درافتادن با مردم سرنگونی طلب بهتر است به فکر آینده خود باشند و راه خود را از جمهوری اسلامی جدا کنند. باور کنید این به نفع شماست. شما ها با ادامه همکاری خود با جمهوری اسلامی تنها پرونده مزدوری خود را در پیشگاه مردم سرنگونی طلب سیاه تر و جرم خود را سنگین تر خواهید کرد. بروید فوراً از این مردم معذرت خواهی کنید.

۱۶ مرداد ماه ۱۳۸۴

جنایات جمهوری اسلامی باید به دادگاه سپرده شده و مجازات شوند. هر فرماندار و استاندار و بخشدار و خلاصه هر مامور جمهوری اسلامی یا مردم ازادخواه و برابری طلب کردستان ایران که اکنون با حکومت زور و سرکوب جمهوری اسلامی در افتاده و در برابر توحش اسلامی مقاومت میکنند درافتد، نام خود را در لیست کسانی خواهد نوشت که فردا توسط این مردم به دادگاه سپرده شده و مجازات خواهد شد. مردم کردستان ایران و ایران رای به رفتن جمهوری اسلامی داده اند. این جمهوری اسلامی است که باید گورش را گم کند و برود. به نفع استانداریها و فرماندارها و دیگر ماموران

باید گفت بجای ادامه همکاری با جمهوری اسلامی بهتر است به فکر آینده خود باشند. اینها سیاست حکومتی را به پیش می برند که تنها کارش سرکوب مردم است، حکومتی که دست رهبران جنایتکار آن بیخوان صدها هزار انسان ازادخواه و برابری طلب در ایران لوده است. دیروز در مهاباد و امروز در سنندج و سقز و بانه و آشنویه و... کشتار میکند و دسته دسته از مردم شهرهای کردستان را بخاطر اعتراض سیاسی به رگبار می بندد. اینها نه تنها حق ندارند هیچ فرد و هیچ کسی را برای باز کردن دکان خود تحت فشار قرار دهند یا تهدید کنند، که خود به خاطر همکاری و شریک شدن در

جمله دکانداران و مغازه داران شهر سنندج را فراخوانده و آنان را تهدید کرده اند که دکانهای خود را باز کنند و به فراخوان ما برای اعتصاب عمومی جواب مثبت ندهند. آنها همچنین مغازه داران این شهر را تهدید کرده اند که در صورت بازنگردن دکانهای خود از مزایای دولتی محروم خواهند شد.

شکی نیست که این ترغیبات و تهدیدها در دیگر شهرهای کردستان ایران نیز به کار گرفته خواهد شد تا مزدوران جمهوری اسلامی به این وسیله مردم را تحت فشار قرار داده و آنان از دست زدن به اعتصاب عمومی علیه جمهوری اسلامی بازدارند. به اینها



حسین مرادیگی
(حماه سور)

طبق اخبار رسیده گویا فرماندار شهر سنندج و رئیس شورای اسلامی جمهوری اسلامی امروز یکشنبه ۱۶ مرداد ماه ۱۳۸۴ عده ای از مردم سنندج از

کارپها را به نام حزب کمونیست کارگری از خود تراوش داده است. سرانجام این فرقه هر چه باشد، لطمانتی را که اینها به وزن و جایگاه کمونیسم کارگری وارد کردند و اثری که در ارائه تصویردفرمه و مهجور از کمونیسم از خود بجای میگذارند، گماکان سنگین است.

۱۱ اوت ۲۰۰۵
مرداد ۱۳۸۴



"شلوغی" خودبخودی است و مند و تاکتیک اش، سوار شدن بر ترک جریانات راست، سکوت زندانه و از روی محاسبات بقالانه در برابر موضع و تاکتیکهای چپ، به بی تفاوتی سوق میدهد. تداوم و به سرانجام رساندن جریان ضد انتقادی در رهبری جدید حککا در برابر یک علامت بزرگ سوال قرار دارد. به نظر می آید تاریخ مصرف گوهر نامه های سیاوش دانشور رو به پایان و بازار سرگرم کردن مشغله های درونی با شیطان سازی از ما حکمتیستها، دارد مستمع از دست میدهد.

آیا رهبری جدید حککا، در آغاز راهی است که وقت کمونیستی، لاقال سیاسی و متین تر از آنان و پیش تر از آن "شفق سرخ"، مسخره و کارتونی، به پایان رساند؟ مشکل این است که رهبری جدید حککا، تمام این شیرین

حالی که تاکتیک همسوئی با فراخوان ناسیونالیستها و قوم پرستان را به آرامی به زیر فرش جارو میکند، جزات و شهادت ندارند که اعلام کنند که به فراخوان چپ و حکمتیستها حتی هم جهت شدند. تردید دارم این اپورتونیسم زمخت و از نوع موژیکی بتواند چشم و گوش درون را هم برای مدتی بسته نگاه دارد.

فعلات و تا سیرتکامل پدیده انقلاب ایدئولوژیک و تا تبدیل شدن حککا به یک سکت غیر اجتماعی، تمرکز تبلیغات هیستریک و غیر سیاسی علیه ما حکمتیستها، ظاهراً میتواند تخمیر این پروسه را از صفوف درون مخفی سازد. چند مورد دیگر از تکرار این نوع خلوص و تسلیم به هر شلوغ کاری و هیاهوی نوع هخا و قوم پرستان، جامعه را نسبت به سرنوشته جریانی که پلافرمش دنباله روی از هر حادثه و

مردم گفت نباید زیر چتر هخا بیرون بیایند، باید در برابر تحركات جریانات قوم پرست و ناسیونالیستها به مردم هشدار داد، رهبری جدید حککا، اما، اساساً، برای حفظ فضای درون فرقه و سکت خود، نسبت به سرنوشته جامعه و مردم لابلال و بی مبالات است. رهبری جدید حککا برای چندمین بار و این بار در بی تفاوتی نسبت به نیروهائی که مردم را به حرکتی و جهت سیاسی معینی سوق میدهند، نشان داد که دارد جریان خود را از یک حزب سیاسی به طرف یک فرقه مهجور تمام عیار سوق میدهد. عجیب و باور نکردنی است که حتی اکنون هم از فراخوان خود به مردم برای شرکت در حرکت هخا دفاع میکنند و از تحرك قوم پرستان در اهواز تحت لوای مقدس "مبارزه برحق مردم" گماکان دفاع میکنند در

بازندگان اعتصاب.... از ص ۵

"مدرانه" دست و پاچلفتی در برابر خیز قوم پرستان را بشنوند. در برابر فراخوان اعتصاب سراسری و عمومی مردم شهرها علیه جمهوری اسلامی، به هواداران کنجکاو و گیج شده و دارای هزاران سوال خود با در خانه نشستن راست و پاسیفیستی است به خیابان بیایند و تظاهرات کنند و ماجراجویی نوع مجاهدینی "روحیه" دادند. ادبیات شیرینی که این روزها از قلم پر از نزاکت سیاوش دانشور و نبش و کنایه های اصغر کریمی علیه ما حکمتیستها تراوش کرده است، قرار است سنبه این جریان ضد انتقادی رو به درون خود را کماکان پر زور نگاهدارد. نقطه عطفهای تاریخی در مبارزات مردم، اوج احساس مسئولیت را از یک جریان کمونیستی می طلبد. باید به